

# آیات ناظر بر مضامین زیارت امین الله

اکرم شیخ میلانی

(نویسنده‌ی مسئول)

دانش‌آموخته‌ی سطح دو  
حوزوی، مدرسه‌ی علمیه‌ی  
حضرت فاطمه علیها السلام تهران  
sheykhma@chmail.ir

دکتر مجید فروزان مهر

دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم  
و معارف نهج‌البلاغه پیام نور  
تهران  
foroozanmehr@chmail.ir

**چکیده:** زیارت، زنده‌ترین و مؤثرترین راه برای شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری با اهل بیت علیهم السلام است. زیارت‌نامه‌ها به ویژه زیارت‌نامه‌های مأثور، مدرسه‌ای هستند که درس امامت و ولایت می‌دهند، آثار و برکات اهل بیت علیهم السلام را شمارش کرده و راه دوستی و محبت به ایشان را تعلیم می‌دهند. هم‌چنین تأثیر زیادی در ایجاد ارتباط نزدیک با امام دارد؛ به طوری که زائر احساس می‌کند هیچ‌کس به انسان نزدیک‌تر و مهربان‌تر و داناتر و تواناتر از زیارت‌شونده نیست. رفتن آگاهانه به زیارت و خواندن زیارت‌نامه‌ها با توجه و حضور قلبی می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح افراد داشته باشد. بعضی از این زیارت‌نامه‌ها، به دلیل سند یا محتوای خاص خود اهمیت و شهرت بیشتری دارند؛ مانند: زیارت عاشورا، جامعه‌ی کبیره، امین الله و ... . دقت در مضامین و محتوای آنها به ما نشان می‌دهد که از مفاهیم بالا و ارزشمندی برخوردارند و حکایت از این دارد که این مفاهیم از کلامی الهی نشأت گرفته است. در این پژوهش، به روش تطبیقی- کتاب‌خانه‌ای، مطابقت مضامین زیارت امین الله با قرآن بیان شده است، که ضمن تأکیدی که بر استحکام و وثاقت آن دارد، مهر باطلی بر گفته‌های تکذیب‌کنندگان این زیارت‌نامه است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، امامت، زیارت مأثور، زیارت امین الله، نقد روایت.

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

## ۱. مقدمه

زیارت اولیای خدا و اهل بیت پاک و مطهر ایشان علیهم السلام، دارای آثار و برکاتی فراوان است. قرآن کریم در آیات متعدّد به این سنت پر بها اشاره کرده، و احادیث بسیاری پیرامون آن، در اختیار است که دانشمندان مسلمان آنها را یا در مجامع روایی خود یا به صورت مستقل در کتاب‌هایی با عنوان «مزار» گرد آوردند. المزار: شیخ مفید (متوفای قرن پنجم قمری)، المزار: محمد بن جعفر المشهدی (متوفای قرن ششم قمری)، المزار: شهید اوّل (متوفای قرن هشتم قمری) و هم‌چنین کتاب المزار در بحار الانوار: علامه مجلسی (متوفای قرن دوازدهم قمری) از جمله این عنوان‌ها به حساب می‌آیند. این کتاب‌ها به موضوعات و مسائل گوناگون درباره‌ی زیارت در معنی عام آن و زیارت هر یک از اولیای الهی به گونه‌ای خاص و مستقل پرداخته‌اند.

در این میان، زیارت‌نامه‌ها یا آنچه به هنگام زیارت خوانده می‌شود و به تعبیری سخن زائر با مزور (زیارت شده) یا خداوند متعال، دارای جایگاهی ویژه و از مهم‌ترین آداب زیارت است. زیارت‌نامه می‌تواند سخن دل و زبان باور زائر، خطاب به مزور یا عرض ارادت و اعلام آمادگی برای همراهی با او و حمایت از دین خدا باشد.

زیارت‌نامه‌ها از جهات مختلف به چند دسته تقسیم شده است. به عنوان نمونه: زیارت مطلقه به زیارتی گفته می‌شود که دارای قید خاصی نیست، یعنی می‌توان آن را در هر زمان و مکان خطاب به مزور خواند. در برابر، زیارت مخصوصه، زیارت از بعید یا زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر و مانند آن، زیارت‌نامه‌هایی هستند که به گونه‌ای مقید شده‌اند، یعنی باید در روزی خاص یا مکانی خاص خوانده شوند؛ از جمله‌ی این عنوان‌ها برای زیارت، زیارت مأثوره است، یعنی زیارتی که شأن حدیث دارد و بر زبان مبارک رسول‌الله صلی الله علیه و آله یا دیگر اهل بیت علیهم السلام جاری شده، و با چنین انتسابی روایت شده است. از ویژگی‌های این‌گونه زیارت‌ها، خالی بودن آنها از هر گونه غلو و حتی اغراق و مبالغه است، زیرا امام علیه السلام بهره‌مند از علمی الهی و وحیانی است و با اخلاصی تمام آن را اظهار و بعضاً املأ کرده است. زیارت امین‌الله (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۹) از امام سجاد علیه السلام از این دسته زیارت‌ها به شمار می‌آید.

در شرح زیارت امین‌الله، اساتیدی چون: محمود تحریری، سید علی محمد دستغیب، محمد محمدی گیلانی و محمد هادی عبد خدایی ... انتشار یافته است.

بررسی و بیان آیاتی که ناظر بر مضامین زیارت امین‌الله است بیش از پیش اصالت و وحیانی بودن آن را آشکار می‌کند و برجسته می‌سازد.

## ۲. تعاریف و مفاهیم

در طرح هر موضوع نخست باید منظور از کلمات و واژه‌های استفاده‌شده را برای مخاطب روشن کرده تا موضوع بحث به خوبی آشکار شود؛ برای دست‌یابی

به مفهوم صحیح واژگان با مراجعه به کتاب لغت و بررسی آرای مفسران به تعاریف واژگان کلیدی می‌پردازیم.

## ۱.۱.۲ آیات ناظر

از آنجا که واژه‌ی «آیات ناظر» مرکب از دو واژه‌ی «آیات» و «ناظر» است، در آغاز به تعریف این دو واژه پرداخته می‌شود.

### ۱.۱.۲.۱ آیات

«آیات» جمع «آیه» به این معانی است: ۱. نشان‌ها، علامت‌ها. ۲. آیه‌های قرآن. ۳. معجزات؛ نماز؛ نمازی که هنگام خسوف و کسوف و زلزله و مانند آن بر مسلمانان واجب می‌شود (معین، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۵۵). آیه (جمع آئی و آیات) علامت، نشانه؛ یک جمله و عبارت از قرآن، هم‌چنین پند و عبرت است (معلوف، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۴۹). آیت: آیه: نشان، علامت، هر یک از جمله‌های قرآن، مجازاً به معنی مرد بزرگ و چیز عجیب و آیات جمع آن است (عمید، ۱۳۶۲ ش، ص ۷۷).

### ۲.۱.۲.۲ ناظر

ناظر (جمع: نُظَّار): بیننده، تماشاگر، ناظر، بازرس، سرپرست، مدیر، مسؤول. (آذرنوش، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۰۹۶). ناظر به معنای نظرکننده، بیننده، دیده‌بان، و جمع آن نظاره است (عمید، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۱۶۹).

ناظر: نظرکننده. (فرهنگ نظام)، نگرنده، (مهدب الاسماء)، نگرنده، نگاه‌کننده. (ناظم الاطباء)، نگران، که می‌نگرد.

ناظر به چیزی بودن، اشعار داشتن. چیزی را بیان کردن. مطلبی را متضمن بودن: رساله‌ی ناظر بدین ترجمه و بیان است (نک: دهخدا، ۱۳۲۸ ش).

## ۲.۲. امین‌الله

یک ترکیب اضافی است از امین و الله که هر کدام به صورت زیر معنا می‌شود:

### ۱.۲.۲. امین

امین [أ] یعنی: امانت‌دار (منتهی الارب) (غیاث الغات). (مؤیه الفضلاء)؛ زنهاردار (فرهنگ فارسی معین)... مقابل خائن، زنهاردار (دهخدا، ۱۳۲۸ ش، ص ۲۴۴).

امین یعنی: ۱. امانت‌دار، زنهاردار، ۲. کسی که بتوان به او اعتماد کرد، طرف اعتماد، معتمد، استوار، ثقه، درست‌کار. ۳. وکیل، مباشر. ۴. مدیر، ۵. مرشد، مرد کامل؛ جمع آن: امناء (امنا)... است. (معین، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۳). اما در یکی از شروح زیارت این‌گونه آمده است: امین به کسی گفته می‌شود که مورد اطمینان بوده و مصون از خیانت باشد. (تحریری، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۳). اثبات صفت امین‌الله برای کسی، نشانه‌ی آن است که صاحب آن، دارای مرتبه‌ی اعلا‌ی ایمان و یقین و اطمینان نفس است، و از دستبرد هوای نفس و شیطان محفوظ بوده و از هر جهت، هم از جنبه‌ی علم و دریافت حقایق از مبدأ متعال و هم از جهت عمل و صفات، مورد موثق خدای متعال است (همان).

## ۳.۲. مضامین

«مضامین»، جمع «مضمون» است؛ به معنای: ۱. در میان گرفته شده؛ ۲. آنچه

از کلام و عبارت مفهوم شود: «چون نامه طغرل به یک رسید و دبیر بر مضمون آن آگاهی یافت، در ساعت عمیدالملک را فرمود تا جوابی بنویسد» (سلجوق نامه‌ی ظهیری، ص ۲۰) ۳. نکته‌ای لطیف و باریک که در شعر گنجانده شود: «اشعار سبک هندی مشحون از مضمون‌های باریک است.»؛ بسته: مضمونی که شاعری به شعر درآمده باشد؛ مضمون نبسته: مضمونی که هنوز به شعر در نیامده باشد (ابهام دو معنی): «هست مضمون نبسته بند شلوار شما» (صائب) ۴. مطلبی کنایه‌دار که درباره‌ی کسی گویند، متلک. (دهخدا، ۱۳۲۸ ش، ص ۲۸۵۷).

### ۳. مرور اجمالی زیارت امین‌الله

یکی از بهترین زیارت‌نامه‌هاست که امام زین‌العابدین علیه السلام هنگام زیارت امیرمؤمنان علی علیه السلام آن را می‌خواند و به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام می‌توان آن را در تمام زیارت‌گاه‌های ائمه علیهم السلام خواند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۰، ص ۱۴۵-۱۱۶). این زیارت‌نامه، دربردارنده‌ی معارف بلند و مسائل اخلاقی و الایی است که در قالب دعا، انسان را ترغیب می‌کند تا به این کمالات متصف شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۶۰) و اهمّیت آن به گونه‌ای است که علامه مجلسی درباره‌ی آن فرموده است: از صحیح‌ترین زیارت‌نامه‌ها است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۷، ص ۲۶۴). زیارتی است در اوج اعتبار؛ هم از جهت سند و هم از حیث متن و محتوا، که جابر بن عبدالله انصاری آن را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند.

در این زیارت گرچه مخاطب نخست آن، امام علی علیه السلام است، اما از این بزرگوار جز با لقب «امیرالمؤمنین» که لقب ویژه و نشان برجسته‌ی او است، یاد

نمی‌شود؛ زیرا به حقیقت و به طور مطلق، کسی جز او امیرمؤمنان نیست و اطلاق این لقب بر دیگران از حاکمان و زمامداران مسلمانان، به‌کارگیری لفظ در معنایی بوده که برای آن وضع نشده است.

زیارت امین‌الله از دو بخش کلی تشکیل شده است: بخش اول که سلام بر امام است و با «السَّلَامُ عَلَیْكَ» آغاز شده و بخش دوم به صورت دعا است و با «اللَّهُمَّ» شروع می‌شود. در ادامه ارتباط برخی از فرازهای بخش دوم این زیارت با آیات قرآن بررسی خواهد شد.

#### ۴. فرازهای برگرفته از قرآن در زیارت امین‌الله

در این بخش آیات ناظر بر شش فراز از زیارت امین‌الله مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

الف) «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْئَةَ» یعنی: خداوندا، قلب‌های آرام گرفتگان به تو، سرگشته و حیران است.

«خبت» در لغت، به زمین مطمئن و محکمی گفته می‌شود که آنچه در آن مستقر شود حفظش می‌کند (راغب، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۴۱). طباطبایی گفته است: این کلمه در مورد شتری به‌کار می‌رود که گاهی در سرش کرم‌هایی به وجود می‌آید و او را ناراحت و اذیت می‌کند و او به بیابان می‌رود تا پرنده‌ای - که مأمور خداوند است - بیاید کرم‌ها را با نوکش بردارد و بخورد تا از درد رها شود. در این حال شتر با تمام وجود و بدون کوچک‌ترین حرکتی خود را در اختیار آن پرنده‌ی کوچک می‌گذارد تا مبادا با کمترین حرکتی بپرد و آن ناراحتی بر گردد. عرب به این حالت، «اخبت البعیر» می‌گوید. در این فراز، تمثیلی است برای نشان دادن

حالت قلب به بعضی از مؤمنان و مراتب ایمان شان نسبت به حق تعالی؛ یعنی آنان به مرتبه‌ای از اطمینان رسیده‌اند که هیچ چیز آنها را متزلزل نکرده و از یاد خداوند متعال غافل نمی‌شوند (تحریری، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۵۲).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (هود، ۲۳). یعنی: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و [با فروتنی] به سوی پروردگارشان آرام یافتند، آنان اهل بهشت هستند و در آن جاودانه خواهند بود.

و در ادامه، از مقایسه‌ی بین مؤمنان نیکوکار و ستمگران کافر در آیه‌ی بعدی یاد می‌کند: ﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا...﴾ (هود، ۲۴). یعنی: روشن می‌شود که مخبثان، طایفه‌ی خاصی از مؤمنان هستند که اعمال شان صالح، و چشم و گوش آنان به حقایق بینا و شنوا است.

مراتب ایمان، آثاری را در ظاهر و باطن انسان به جا می‌گذارد. بیشترین اثر برای روح و جان او است، زیرا وقتی انسان اعتقاد راسخ به ارتباط وجودی با خداوند متعال داشت و این اعتقاد را در مرحله‌ی عمل نشان داد، به تدریج عنایات الاهی شامل حالش شده و مورد محبت مخصوص او قرار می‌گیرد، همان‌گونه که خودش می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...﴾ (آل عمران، ۳۱). یعنی: بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.

محبت خدا نسبت به بنده آثاری دارد و آن برطرف کردن موانع قلبی بین او و خودش است. این موانع، تعلقات قلبی به غیر حق است که وقتی این تعلقات



از چهره‌ی دل زدوده شود، تعلق به حق تعالی و کشش به سوی او در دل ظهور می‌کند. از این جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ وَ كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ حُوِّطَ وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَسْتَغْلُوا بِغَيْرِهِ» (شیخ کلینی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۳۰). یعنی: هنگامی که مؤمن از دنیا خالی شد، بالا می‌رود و شیرینی محبت خداوند را می‌چشد و نزد اهل دنیا مانند آن می‌ماند که دیوانه شده است، لکن شیرینی محبت خداوند ایشان را دیوانه کرده است پس به غیر او اشتغال ندارند.

بنابراین حالت اخبات، نحوه‌ای شیفتگی و دلدادگی به حق تعالی برای شخص ایجاد می‌کند که در برابر او و دستوراتش هیچ وجودی از خود نشان نداده و جز آن را حق نمی‌داند. این حالت، شدت محبت به او را می‌رساند که از آن به «وله» تعبیر شده است و گاهی هم به آن جنون گفته می‌شود، چون مجنون به کارهای عاقلان (عقل ظاهری) اعتنا نمی‌کند و به دنبال کار خود است، و حرکات خاصی از او ظهور می‌کند (تحریری، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۶۰).

ب) «رَاضِيَةٌ بِقَضَائِكَ» یعنی: (خداوندا نفس مرا) راضی به قضای خود (قرار ده).

قضا به حسب موارد کاربردش در قرآن و کلمات عرب در موارد گوناگونی به کار رفته، لکن می‌توان جهت مشترکی بین آنها یافت که معنای آن پایان یافتن و یک‌سره کردن کار است (راغب، ۱۳۸۷ ش، ص ۴۲۱). معنی راضی بودن خشنودی به خواست خدا است و اینکه فرد از قضا و تقدیر الهی بدش نیاید. مبنای اینکه انسان به مقام رضایت برسد آن است که در اعتقاد و باور خود،

خدا را حکیم بداند که همه‌ی کارهایش بر اساس عدل، حکمت و رحمت است؛ یعنی خدای مهربانی که دائماً خیر بندگان را می‌خواهد و همیشه بهترین گزینه را برای آنها انتخاب می‌کند. هم‌چنین خدا را همه‌کاره‌ی عالم بداند (توحید افعالی) و به این مطلب باور داشته باشد؛ در این صورت به یک فرد راضی تبدیل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴ ش، ج ۱، صص ۳۷۶-۳۸۱).

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مقام رضا و خشنودی از بالاترین مقامات است» (نک: شیخ کلینی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۶۲).

در قرآن آیات متعددی درباره‌ی تسلیم شدن محض در برابر فرمان خدا و رسول صلی الله علیه و آله که حقیقت آن همان خشنودی به رضای خدا است وجود دارد، به عنوان نمونه: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...» (النساء، ۱۲۵). یعنی: دین چه کس بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم (حکم) خدا کرده و هم نیکوکار است.

«وَمَنْ يَسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان، ۲۲). یعنی: و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آرد و نیکوکار باشد چنین کس به محکم‌ترین رشته‌ی الهی چنگ زده است، و (بدانید که) پایان کارها به سوی خدا است.

در برخی از آیات نیز از رضایت خدا و رضایت حزب الله که گروهی خاص از بندگان هستند، اشاره شده است: «رَضُّهُمْ؟ وَ رَضُوا عَنْهُ أَوْلَيْكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (المجادله، ۲۲). یعنی: خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند، اینان به حقیقت حزب خدا هستند، الا (ای اهل ایمان) بدانید که

حزب خدا رستگاران عالم هستند.

در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب این حقیقت آمده است که اگر خدا و رسولش چیزی را قضا کردند بر هیچ زن و مرد مؤمنی سزاوار نیست که خلاف آن عمل کند: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ مَوْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ...﴾ (الأحزاب، ۳۶). یعنی: و هیچ مرد و زن مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار کنند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول او کند، دانسته به گمراهی سختی افتاده است.

ج) «صَابِرَةٌ عَلَىٰ نُزُولِ بَلَائِكَ» یعنی: (خداوندا نفس مرا) صابر بر نزول بلایت (قرار ده).

«صبر» در لغت به معنای خویشتن‌داری از جزع و فرزع هنگام سختی است (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۶). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا ...﴾ (آل عمران، ۲۰۰). یعنی: ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یک‌دیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید.

در قرآن کریم بیش از صد مرتبه موضوع صبر مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴ ش، ج ۷، ص ۵۷۱) و به آن توصیه و تأکید شده است، که حاکی از اهمّیت صبر و لزوم آن برای انسان در امور مادی، معنوی، دنیوی و اخروی است و بدون شک بدون تمسک به صبر در هیچ امری توفیقی حاصل نمی‌شود. از این رو، خداوند صبر را یکی از مهم‌ترین امور در زندگی دانسته است و فرموده: ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری، ۴۳). یعنی: و هر که صبر کند این مقام از عزم در امور است.

از آیاتی نظیر: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ (بلد، ۴). یعنی: به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم. می‌توان به این نتیجه رسید که خلقت و زندگی انسان آمیخته با صبر است و بدون آن از عهده‌ی امتحانات و بلاهای روزگار بر نمی‌آید. صبر بر مصیبت و بلا عبارت است از تسلط بر نفس از انجام رفتارهای ناپسند از قبیل بی‌تابی و جزع و فزع که قرآن کریم به این نوع صبر اشاره کرده است: ﴿وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (البقره، ۱۵۵). یعنی: و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و صابران را بشارت و مژده بده.

سپس در آیه‌ی بعد در وصف صابران می‌فرماید: آنان چنان جماعتی‌اند که چون به آنان بلا و مصیبتی وارد آید می‌گویند: همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (البقره، ۱۵۶). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: صابران را دو بار نام برد تا اولاً: بشارت‌شان دهد؛ و ثانیاً: راه صبر را و اینکه چه صبری، صبر جمیل است یادشان دهد؛ و ثالثاً: آن علت واقعی که صبر را بر آدمی واجب می‌سازد، بیان کند، و آن این است که ما ملک خداییم و مالک حق دارد هرگونه تصرفی در ملک خود بکند؛ و رابعاً: پاداش عموم صابران را که عبارت است از درود خدا و رحمت و راه یافتن به بهشت، معرفی کند (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۵۳).

خداوند خود را همراه صابران دانسته است: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (الأنفال، ۴۶). یعنی: و همه‌ی پیروی فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در

اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یک‌دل، پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است.

حب خداوند شامل حال صابران می‌شود: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيِّبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران، ۱۴۶). یعنی: و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.

خداوند به حضرت رسول الله ﷺ سفارش می‌کند که مانند: رسولان اولوالعزم صبر داشته باش: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (الأحقاف، ۳۵). یعنی: پس همان‌گونه که اولوالعزم از رسولان صبر کردند صبر کن و برای آنان شتاب‌زدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می‌شوند، بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده‌اند؛ [این] ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ و به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای محمد! صبرکنندگان در بلایا را به بهشت مژده ده» (شریف لاهیجی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۳۶).

صبر چنان جایگاهی دارد که خداوند به اهل ایمان می‌فرماید از صبر، استقامت و نماز استعانت و یاری بجوید تا بر مشکلات فایق آید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (البقره، ۱۵۳). یعنی: ای افراد با ایمان! از صبر و نماز کمک بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است. این آیه

دارای مفهوم وسیعی است و هر گونه صبر و استقامت را شامل می‌شود.

در قرآن کریم و روایات ثواب صابران بسیار عظیم بیان شده است: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (الزمر، ۱۰). یعنی: همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌کنند. تعبیری حساب نشان می‌دهد که خداوند آن قدر به آنها پاداش می‌دهد که جز او، کسی قادر به حسابش نیست.

(د) «شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ» یعنی: (خداوندا، نفس مرا) سپاس‌گزار نعمت‌های افزون خود (قرار ده).

شکر، تصوّر و اظهار نعمت است (راغب، ۱۳۸۷، ش، ص ۱۳۰) و از مدح و حمد خاص‌تر است؛ زیرا مدح، ستایش چیزی نسبت به کمالی است که دارد، اعم از کمال اختیاری یا غیر اختیاری و حمد، ستایش چیزی در برابر کمال اختیاری آن است و لازمه‌ی نعمت بودن چیزی آن است که در مسیر هدف از آفرینش قرار گیرد از این جهت خداوند متعال پس از بیان اعطای نعمت‌های مادی و معنوی می‌فرماید: اینها را به شما اعطا کردیم، شاید شاکر خداوند شوید و در آیه‌ی دیگر تقوا را زمینه‌ی شکر الهی بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران، ۱۶۳). یعنی: و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر با آنکه ناتوان بودید یاری کرد، پس از خدا پروا کنید باشد که سپاسگزاری کنید.

بنابراین اظهار عبودیت برای خداوند، همان شکرگزاری از او است، زیرا می‌فرماید: «بَلِ اللَّهِ فَاغْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (الزمر، ۶۶). یعنی: بلکه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش.

نیز در جای دیگر علت شکرگزاری را اعطای نعمت معرفی کرده و شکرگزاری را تنها به اظهار بندگی خداوند متعال بیان داشته و می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (النحل، ۱۱۴). یعنی: خداوند می‌فرماید: ﴿... وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ﴾ (النمل، ۴۰). یعنی: هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.

شکر عذاب الاهی را از انسان دفع می‌کند: ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ أَمَنْتُمْ وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾ (النساء، ۱۴۷). یعنی: اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس‌پذیر دانا است.

شکر از چنان جایگاهی برخوردار است که در برخی از آیات، خداوند خود را شکور و شاکر معرفی کرده است: ﴿وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر، ۳۴). یعنی: و گویند: حمد خدا را که حزن و اندوه ما ببرد، همانا خدای ما بسیار بخشنده جرم گناهکاران و پاداش‌دهنده‌ی سپاس‌شکرگزاران است.

﴿... وَ مَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری، ۲۳). یعنی: ... و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

﴿إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (البقره، ۱۵۸). یعنی: در حقیقت صفا و مروه از شعائر خدا است [که یادآور او است] پس هر که حج خانه‌ی

[خدا] کند یا عمره گزارد بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند خدا حق شناس و دانا است.

ه) «ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ الْآلِيكَ» یعنی: (خداوند، نفس مرا) یادآور نعمت‌های فراوان و کاملت (قرار ده).

هدف از یادآوری نعمت‌ها، پیمودن مسیر بندگی حق تعالی از طریق ایجاد انگیزه‌ی قوی در انسان است که هم محرک در این مسیر باشد و هم او را در مسیر حق باقی بدارد (تحریری، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۶۹).

خداوند متعال در آیات مختلف امر به یادآوری نعمت‌های خویش می‌کند. یادآوری نعمت باید به‌گونه‌ای باشد که گویا انسان در فضای نعمت غرق شده است و با تمام وجود آن را حس می‌کند و خداوند یادآوری این نعمت‌ها را از انسان خواسته است: ﴿وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (المائدة، ۷). یعنی: و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده به یاد آورید آن‌گاه که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم و از خدا پروا دارید که خدا به راز دل‌ها آگاه است.

و گاهی بودن در فضای نعمات الهی و یادآوری نعمت، انسان را از گناه و معصیت باز می‌دارد: ﴿وَ اذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (الأعراف، ۷۴). یعنی: و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد جانشینان [آنان] گردانید و در زمین به شما جای [مناسب] داد



در دشت‌های آن [برای خود] کاخ‌هایی اختیار می‌کردید و از کوه‌ها خانه‌هایی [زمستانی] می‌تراشیدید، پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید.

آنچه مهم است اینکه نفس انسان به گونه‌ای تربیت شده باشد که همواره خود را زیر بارانی از نعمات الهی دانسته و رابطه‌ی نعمات و خداوند را از دیدگاه توحیدی فراموش نکند.

و «مُحِبَّةٌ لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ» یعنی: (خداوند، نفس مرا) دوستدار اولیای برگزیده‌ات (قرار ده).

محبت واقعی در انسان هنگامی به حقیقت می‌رسد که تمامی محبت‌های ظاهری را در مسیر محبوب حقیقی قرار دهد و این راه، تنها در پیروی از پیامبر اکرم ﷺ تجلی می‌کند، زیرا او هم بنده‌ی محض خداوند است و هم کامل‌ترین راه و روش‌ها را برای تحقق بندگی حق تعالی را بیان می‌کند (نک: تحریری، ۱۳۸۸ ش).

از این جهت خداوند به پیامبرش می‌فرماید: به مؤمنان این مطلب را برسان که: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۳۱). یعنی: بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوست‌تان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

در حقیقت حب اولیای الهی و تبعیت از ایشان زمینه را برای محبوب شدن در نزد خداوند فراهم می‌سازد و اگر انسان مؤمن نفس خود را با حب اهل بیت ﷺ

تربیت کند و در این راستا اعمال و رفتار خود را در مسیر تبعیت از ایشان قرار دهد، شامل دو موضوع مهم می‌شود، ابتدا محبوب خداوند شده و سپس تمام گناهان او بخشیده می‌شود.

حب اهل بیت علیهم‌السلام و تبعیت از ایشان آن چنان اهمّیت دارد که امیرالمؤمنین علیه‌السلام از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌فرماید: «لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ ﷻ حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ ... وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (شیخ مفید، ۱۳۶۴ ش، ص ۳۵۳). یعنی: روز قیامت بنده، قدم از قدم در حضور خداوند ﷻ بر نمی‌دارد تا اینکه خداوند از چهار چیز از وی پرسش کند [که چهارمین سؤال] از دوستی ما اهل بیت خواهد بود. بر این اساس تقرب به خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی آل پیامبر علیهم‌السلام عجین شده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

- سخن گفتن زائر در حضور اهل بیت علیهم‌السلام ویژگی ممتازی را می‌طلبد؛ زیرا نه زائر به دیدار انسانی عادی رفته است و نه زیارت، کاری ساده و کم‌ارج و بهاست. دیدار زائر از مزارِ حجت خدا و زبان گشودن به تمجید و ستایش و عرض حال و طرح سؤال، ادبی می‌طلبد که این ادب، هم در رفتار و سلوک زائر و هم در کلام و متن گفتارش جلوه می‌کند.

- در مواجهه با اهل بیت علیهم‌السلام و هنگام تشرّف به زیارت مرقد پاک و نورانی ایشان چه باید گفت، و چه باید خواست؟ با بیان چه فضیلتی باید عشق و ارادت را نشان داد؟ چه کلامی می‌باید گفت که شایسته‌ی مقام آنان باشد؟ متنی که به عنوان «زیارت‌نامه» از زبان اهل بیت علیهم‌السلام بر جای مانده، راهگشای چگونگی

برقراری ارتباط و شیوه‌ی رعایت ادب کلام در برخورد با ایشان است.

- زیارت‌نامه‌های «مأثور» راهنمای ماست، چون اهل بیت علیهم‌السلام امام‌شناس‌تر و به مقامات خویش واقف‌تر از ما هستند و آنچه آنان به پیروان خویش تعلیم می‌دهند عمیق‌تر، صحیح‌تر، غنی‌تر، زیباتر و متعالی‌تر است.

- زیارت، کلاس درس و مدرسه‌ی تعلیم و تربیت است، از این رو اهل بیت علیهم‌السلام همواره به پرورش پیروان خود در قالب آموزش زیارت‌نامه‌ها برآمده‌اند.

- ادعیه‌ی مأثور از نظر ادبی، شیوا و رسا، پرمغز و موزون هستند که با مضامین عالی، در خواننده احوالی ملکوتی ایجاد می‌کند.

- در این نوشتار که تنها به ذکر و بررسی برخی فرازهای ناظر بر آیات قرآن در مضامین زیارت امین‌الله پرداخته شد، تطابق آیات با مضامین این زیارت را دریافتیم که نشان می‌دهد این همه شیوایی، وثاقت و اصالت از منابع وحیانی سرچشمه‌ی می‌گیرد؛ هم‌چنین ارتباطی تنگاتنگ میان کلام اهل بیت علیهم‌السلام و کلام‌الله برقرار است.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، تهران: نشر نی، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۲ ش.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل‌الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۴. باقی‌زاده، رضا، برگی از دفتر آفتاب، تهران: مشهور، چاپ هفدهم، ۱۳۸۸

- ش.
۵. تحریری، محمود، شرح زیارت امین‌الله، قم: نگین، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: انتشارات اسرا، چاپ پنجم، ۱۳۹۴ ش.
۷. الجوهری، أبو نصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۸ ش.
۹. راغب اصفهانی، الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سید گیلانی، تهران: مؤسسه الصادق الطباعه و النشر، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. شریف لاهیجی، بهاء‌الدین، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق و تصحیح و مقدمه: سید جلال‌الدین حسینی ارموی و محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: سپهر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه اطهار علیهم‌السلام، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. محمدی گیلانی، محمد، شرح زیارت امین‌الله، تهران: سایه، ۱۳۸۵ ش.

۱۶. معلوف، لوییس، المنجد، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، تهران: انتشارات صبا، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات نامن، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ترجمه: حسین استاد ولی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. همو، کلیات مفاتیح نوین، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ سی‌ام، ۱۳۹۶ ش.

